



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۲۰ دسمبر ۲۰۲۳

حمید انوری

## کورس اکابر

درس هشتم

"استاد سخن": محمد آصف فقیری

شاگرد غبی: خودم

دروس ارزشمند "استاد سخن" را پی میگیریم و میرسیم به درس هشتم، با در نظر داشت اینکه "استاد سخن"، چار ناچار در چندین مکتب مختلف همزمان، مضامین پیچیده و مغلق سیاسی- فلسفی و اجتماعی- مذهبی را بدون وقفه و هشت روز در هفته، تدریس مینمایند و فرصت کافی ندارند تا مطالب مختلف سیاسی، فلسفی، اجتماعی، دینی- مذهبی و... را برای هر مکتب بصورت جداگانه و متفاوت تهیه نمایند، با فهم این مطلب که "مکتب" فراوان بوده و قلت "استادان" سخت محسوس است، پس "استاد" ما همان یک موضوع و مطلب تهیه نموده را چندین کاپی برداشته و در چندین مکتب و چندین صنف درسی، در یک روز تدریس میکنند. این کار و خدمت استاد قابل فهم است و مشکلی در آن وجود ندارد، اما "استاد" به مسئولین مکاتب مختلف گوشزد نموده اند که در نوشته های پربار شان دست زده نشده و به حال خود گذاشته شوند تا شاگردان، بخصوص شاگردان غبی مانند این کمترین، تمرینات روزمره "مقاله نویسی"، املاء و انشاء و درست نویسی و... را لااقل هفت روز در هفته ادامه داده و بهتر و بیشتر بیاموزند. البته چون "استاد سخن" هشت روز در هفته قلم میزنند، این شاگرد غبی از ایشان عقب افتاده ام، اما هر روز متوجه اشتباهات عدیده املائی- انشائی خود گردیده و بدین وسیله دعای خیر در حق "استاد سخن" و نیز "مکتب" و "ملا" نموده و به درست نویسی کم کم خو میگیرم.

مقاله هشتم - درس هشتم

اوج جاهلیت تا کنونی که در آخر سال ۲۰۲۳ قرار داریم

اوج جاهلیت تا کنون را در یک صفحه گنجانیدن، درست مانند این تواند بود که بحری را در کوزه بگنجانیم.

• بیست سال به خاطر یک شهروند (تبعه) یا یک عرب، مادر پمپ (بمب - اشتباه تایپی) های امریکا را مردم ما تحمل می کند (تحمل کردند) - در حالیکه در عربستان سعودی که مهاجر کارت (!؟) و حقوق مهاجرین نیست، (!؟) و شهروندان (اتباع) افغانستان برای اجازه (اجازه) کار و زندگی باید سند و مدرک کفیل یا همانا قبولی وی از سوی یک عرب منحصیث برده را دریافت کنند (!؟) (قبولی پناهندگی در اکثر کشور های جهان به معنی دریافت حقوق مساوی با باشندگان بومی آن کشور ها است و نه "بردگی". شاید در تاجکستان یا روسیه جنین باشد) تا حق زندگی و کار آنجا بدست بیاورد. (باز هم حق زندگی و کار به معنی "بردگی" نیست.)

• گفته (گفته) آنجناب است: الانتظار اشد من القتل ... ترجمه: یعنی انتظار از قتل بدتر بوده که خواهران ما سه سال می شود در انتظار باز شدن دروازه های مکاتب و پوهنتون ها هستند. (ده در کجا و درختان ده در کجا) (منبع مؤثق این حدیث تذکر داده نشده است.)

• در لایحه (لایحه) محاکم طالبان در دیباچه (دیباچه) آن آمده: طالبان حافظ جان، مال و عقل... می باشند، که باید شرح داد: عقل جوهر بوده که میتافزیک و متجال ء در عقلگرایی می شود که نهایت بی عقلی می باشد که کسی ادعا کند که من عقل شهروندان را حافظ هستم. (جمله بصورت گل نامفهوم و مغلق بوده و در نتیجه بی معنی است. - "دیباچه لایحه" متذکره باید با جلد و صفحه و سال نشر و محل نشر و... درج نوشته شود، ورنه هرگز نمی تواند مورد تائید قرار گرفته و قابل قبول باشد. چو گفتم، دلیلش بیار.)

• چند همسری یا چند زن گرفتن مقامات در حالیکه مردم از فقر اعضاء بدن شان را می فروشند) بدون سند و تذکر منبع، فقط یک سخن مفت و بی ارزش است. چوگفتی دلیلش بیار. (مانور نظامی با اسلحه های ساخت کشورهای دیگر، اما تنها اسلحه ساخت افغانستان یعنی گروپ انتحاری در مانورهای نظامی که به شدت آزار دهنده است) اکثر مانور های نظامی در جهان چنین اند و تمام کشور های جهان فابریکات تولید افزار جنگی ندارند. گروپ انتحاری در مانور های نظامی به نمایش گذاشته نمی شوند. از سوی دیگر اگر چنان هم شود، "آزار دهنده" نبوده، بلکه تنفر آور و

وحشتناک است. قرار معلوم نویسنده تفاوت بین مانور نظامی و رسم گذشت نظامی را ندانسته است و یکی را با دیگری به اشتباه گرفته است.)

● **بیدون (بدون) شک امنیت بدوی (!؟)** کنونی در سرتاسر افغانستان و فعالیت **شهرداری (شاروالی)** چون: ساخت تونل ها و نظارت بازار که **پدیداری اوج ذلت و نفرین مردم بر مسوولین حکومت** **بیست سال گذشته می باشد** (یکی با دیگری هیچ ربطی ندارد) – **اما ثبات سیاسی تنها محصولیست که از حاکمیت قانون که از بیداری و آگاهی اراده جمعی پدیدار می شود، است (!؟)**

● اصل وفا به عهد چنان در عمق ارزش های دینی و افغانی این سرزمین ریشه گرفته، که در **دهه (دهه) ۹۰** به منظور دوستی هند و افغانستان **قلم سینمای بنام خدا گواه ساخته می شود و این ارزش یعنی اصل وفا به عهد به تمثیل گرفته می شود.** که **مکتب فکری طالبان یا اسلام تندرو همچون کمونیزم ایده وارداتی به این خاک قطعاً قطعاً**، یعنی چون دوره (دوره) **طلایی عصر احمد ظاهر** **پاک بوده، این وطن بی کس نیست و برای آن روز برگردیم، اتحاد و همدیگر پذیری لازم و قدرت و رسیدن به قدرت را، از مسیر شایسته سالاری و رای مردم را، همه باید به رسمیت بشناسیم.** (هر کس بصورت درست این جمله طولانی و بی ربط را معنی نموده و تجزیه و تحلیل درست کند، استاد ادب دری است.) زیرا زبان، سمت و باور دینی گونه های حقوق بین المللی فرهنگی است نه حقوق سیاسی که از آنها وسیله و ابزار برای **رسیدن به قدرت کرده ایم.** (وسیله رسیدن به قدرت رسیدن ساخته ایم) این افغانستان مفتخرست که **جز (جزء) از موسسین (مؤسسین) پنجاه کشور در تاسیس (تأسیس) سازمان ملل متحد در ۱۹۴۵ بود و سال ۲۰۰۷ توسط یونسکو بنام محمد جلال الدین محمد بلخی مسما گردید.** که این وطن افتخار داشتن چون **سید جمال الدین افغان و صد ها روشنفکر و عارف و حکیم را دارد.** که قطعاً حالت کنونی دوام پیدا نمی کند (این جمله کاملاً بی ربط و بی ارتباط به هدیگر است)، **اما اگر یکبار دیگر کدام قدرتی حمله نظامی کند، عناصر تندروی در مبانی اسلام سیاسی در جامعه باقی میماند و بعد چند سال یا چند دهه مانند امروز نتیجه معکوس می باشد.** (هدف نامعلوم است.)

یادداشت شاگرد غبی: در این نوشته مختصر "سیاسی- فلسفی" استاد، این شاگرد تنبل ارتباط عنوان و متن را دانسته نشدم. استاد در این متن "سیاسی- فلسفی" چنان از یک شاخه به شاخه دیگر پریده اند که "قرچه" را هم شرمانده اند.

دروس ادامه دارند...